



بخش خاطرات

علی اصغر حکمت

استاد ممتاز دانشکده

یادداشت‌هایی

از عصر پهلوی

۳۲

آموزش

بزرگسالان

«تعلیم اکابر» که فارسی نویسان امروزه آن را به «آموزش بزرگسالان» یا تعلیم سالمندان اصطلاح کرده‌اند در کشور ما در ضمن ماهه (چهاردهم) پدید آمد. از آغاز مشروطیت که یک‌چنین جنبش صمیمی و وسیع برای اصلاح امور سیاسی و اجتماعی در کشور ظهور و رسید آموزش خط سواد و تعلیم قرائت کتابت به بی‌سوادان جامعه و جهت همت خیر... خواهان و نیک‌اندیشان قرار گرفت، ابتدا در سال ۱۳۲۷ ه. ق. که نهضت آزادی خواهی به ثمر رسید همراه با تشکیل دومین دوره مجلس شورای ملی در تهران و شهرهای بزرگ تاسیس کلاسهای شبانه برای تعلیم اکابر در نورچراغ از روی شوق و ذوق و ابتکار اشخاص روشن‌فکر نیز مورد توجه شد. ولی چون اوضاع سیاسی مملکت همواره دستخوش انقلابات و تحولات عظیم بود آن مسئله نظم و رونق ثابت و مستدامی حاصل نکرد. تا اینکه دوران فرخنده عصر پهلوی آغاز گردید، با آرامش و انتظام مملکت این فکر مبارک را بار دیگر در خاطرها زنده گرداند.

صحبت با وزیر مالیه

در اواسط اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ شبی بعد از انقضاء جلسه هیئت وزیران بنده نویسنده که متصدی خدمت وزارت معارف (آموزش و پرورش) بودم با اتفاق مرحوم علی‌اکبر داوروزیر مالیه (دادائی) از عمارت دربارشاهی بیرون آمده با اتفاق در خیابان کاخ قدم زنان پسوی منزل آن مرحوم رهسپار بودیم. آن مرد روشن بین و بلند همت که با علاقه و ایمان به

سعادت وطن خدمت میکرد و دارای عقل سلیم و رأی مستقیم بود و همیشه ترقی و تعالی ایران را از صمیم قلب آرزو داشت بمن رو کرده و گفت :

« چندی بود میخواستم مطلبی را با شما صحبت کنم اکنون که فرصتی دست داد گوش دهید تا بگویم : ، البته میدانید که این اوقات اوضاع مملکت بحمدالله نظم و آرامش کامل حاصل کرده و قدرت دولت و وسعت خزانه کشور در کمال قوت است ، وظیفه ما همه این است که فرصت را غنیمت شمرده برای پیشرفت و ترقی مردم این کشور از هر عمل مفید و مؤثر دریغ نکنیم ، زیرا ادامه مدت این فرصت را جز خداوند علام الغیوب دیگر کسی نمیداند ، و ممکن است با یک پیش آمد نامطلوب وضع منقلب شود . و فرصت از دست برود . یکی از بهترین کارها و فوریترین اقدامات سودمند برای پیشرفت و ترقی کشور تعلیم و تربیت عامه بی-سواد ملت است که متأسفانه اکثریت عظیمی را تشکیل می دهند . بر ما فرض است که برای تعلیم این توده جاهل جهاد کنیم . من بعنوان وزیر دارائی حاضرم و قول میدهم که برای تشکیل دستگاه تعلیم و تربیت عامه بی سواد هر مبلغ اعتبار بخواهید بدون چون و چسرا در اختیار وزارت معارف بگذارم ، مشروط بر اینکه اساس متین و محکمی برای این کار برقرار کنید که در تمام مملکت بطوریک نواخت و با سازمان دامنه داری این کار خیر و ثواب شروع شود ادامه داشته باشد .

من بحکم وظیفه این پیشنهاد آنمرد خیر اندیش را از صمیم قلب قبول کرده و وعده دادم که هم از روز بعد مطالعه دقیقی برای اجراء این نیت بعمل آورده و برای سازمان دادن آن طرحی اساسی و استوار تهیه کنم و بنظر ایشان برسانم اگر پسند نمودند موضوع را به عرض پیشگاه همایونی رسانیده و اجازه ایشانرا حاصل نمایم و کاری خواهم کرد که از اول مهر ماه آینده که سال تحصیلی شروع می شود دستگاه « تعلیم اکابر » نیز آماده و مهیای کار شود .

فرمای آنروز بدون فوت وقت برای مطالعه و طرح اساسی آن منظور مقدس جلسه مشورتی فراهم ساخته و رئیس دفتر وزارت معارف را که آن اوقات به عهده جوان دانشمند و خوش قریحه ای یعنی آقای حسین فرهودی که از صاحب منصبان کاردان ولایق وزارت معارف بود مستول مستقیم تهیه طرح و تشکیل دستگاه « تعلیم اکابر » نمود ، بعد از چند روز بررسی و مطالعه حاصل از نظریات بطور خلاصه بصورت اساسنامه ای درآمد که بعد از تنقیح و تنظیم بر حسب وعده و قول و قرار اول بنظر مرحوم داور رسانیدم ، آن مرحوم بعد از یک روز آنرا قبول کرده و مورد پسند نظر دقیق ایشان قرار گرفت و قرار شد که خود ایشان مطلب را بمرض شاهنشاه برسانند و اجازه پرداخت هزینه لازم را حاصل نمایند .

تصویب نامه ۱۶ خرداد ۱۳۱۵

آن طرح بمرض رسید و مورد قبول یافت و وزیر دارائی فوراً ۱۵۰ هزار تومان برای تأسیس دبستانهای لازم و فراهم آوردن لوازم مقدماتی در اختیار وزارت معارف گذاشت و طرح اساسنامه مشتمل بر ۱۴ ماده در جلسه ۱۶ خرداد ۱۳۱۵ در هیئت وزیران تصویب شد که سابقه آن هم اکنون در بایگانی هیئت وزراء محفوظ است ، وزارت معارف آنرا مدار عمل خود قرارداد .

در ماده اول آن میگوید :

« وزارت معارف مکلف است در تمام کشور ایران در هر يك از دبستانهای شش کلاسه یا چهار کلاسه دولتی یا در سایر مدارس که مقتضی بداند مدرسه اکابر شبانه مطابق مقررات تأسیس نماید .

در ماده دوم میگوید :

« تحصیلات مدارس اکابر در حدود سواد فارسی و نوشتن و حساب کردن مطابق برنامه که بتصویب شورای عالی معارف رسیده باشد ، خواهد بود .

در ماده ششم میگوید :

« مدارس اکابر یکی مجانی است و هفته شش شب در هر شب دوساعت دایر خواهد بود و هر سه شب بطور متناوب مخصوص تحصیل یکدسته میباشد بطوریکه در هر مدرسه دودسته اکابر مشغول تحصیل خواهند بود .

در ماده دهم اشاره می کند که وزارت معارف برای تحصیل اکابر کتاب مخصوصی بر مواد لازم برای خواندن و نوشتن و حساب شامل اطلاعات مفید تاریخی و جغرافیائی ایران و تعلیمات مدنی و صحنی تهیه کرده و بقیمت تمام شده بفروش میرساند .

در ماده ۱۲ دستور میدهد که بعد از دو سال بنارخالتحصیل های کلاسهای اکابر گواهینامه های مخصوصی اعطا خواهد شد .

در ماده ۱۴ گفته شده که کلیه مخارج از حق الزحمه معلمین و روشنائی و سوخت و تهیه کتاب و رسالات و جوایز و سایر احتیاجات همه ساله جزو بودجه دولتی منظور و پرداخت خواهد شد .

در پی این اساسنامه مصوب دولت بر نامه مشروح و مفصلی شامل دستور طرز تعلیم و تربیت و ساعات و سایر امور تهیه در ۲۳ مرداد ماه همان سال بتصویب شورای عالی معارف رسید ، در تعقیب آن آئین نامه مخصوصی برای انتظامات آن مدارس در ۲۶ شهریور تصویب شد که در آن گفته شده تحصیل در مدارس شبانه مجانی و عمومی و داوطلبانه خواهد بود . و سال تحصیلی آن از مهر ماه هر سال تا آخر خرداد سال بعد خواهد بود و هر هفته سه شب ، شبی دوساعت ، مشتمل بر دو زنگ ، و هر زنگ ۵۵ دقیقه ، بنامه ۱۰ دقیقه تنفس دایر خواهد بود . بعد از چند روز بودجه دستمزد معلمین و آموزگاران و سایر مخارج مؤسسات تعلیم اکابر به تصویب وزارت دارائی رسید .

لازم بگفتن نیست که در آن تابستان يك قسمت عمده اوقات خود را صرف تهیه این آئین نامه مقدماتی نمودم همچنین آئین نامه ای برای جوایز و مدال در شهریور سال ۱۳۱۶ بتصویب رسید و همچنین برای تشکیل اداره و تعیین وظایف سازمان مرکزی سالمندان نظامنامه مفصلی بتاريخ ۲۸ اسفند ۱۳۱۵ وضع و بتصویب رسید که تمام اساسنامه و آئین نامه ها و مقررات همه در سالنامه رسمی وزارت معارف سال تحصیلی ۱۳۱۵-۱۳۱۶ از صفحه ۲۱۱ تا ص ۲۳۱ عیناً بطبع رسیده است .

افتتاح کلاسها

دراکثر دبستانهای تهران و ولایات مقدمات تجهیزات لازم ازسیم کشی برق و تمیین آموزگاران انجام گرفت و بیماری کی و میمنت اول مهرماه ۱۳۱۵ در تهران و تمام شهرستانها کلاسهای مدارس شبانه بزرگسالان افتتاح و شروع بکار نمودند .

اعلاناتی در شهرهای بزرگه منتشر گردید و روزنامهها مقالاتی در تشویق مردم بقلم آوردند و طبقات مختلف از کارگران و کسبه و کشاورزان و مستخدمین سرپایمی ادارات برای ورود بمدارس شبانه استقبال شایانی نمودند و یک نهضت عمومی در سراسر مملکت برای سواد آموزی ظهور رسید . وقتی که گزارش این مدارس و استقبال مردم بوسیله مقامات کشوری به مرض شاهنشاه رسید موجب مسرت و خوشنودی خاطر ایشان گردید بطوریکه امر مخصوص صادر فرمودند که در تمام پادگانها و سربازخانههای کشور کلاسهای مطابق همان برنامه معارف تاسیس شود و همان کتابها را تدریس نمایند بملاوه ابتکار دیگری بنظر مبارک ایشان رسید و امر فرمودند که اداره کل فلاحت نیز در جنب هر سربازخانه در سراسر کشور مزارع نمونه تاسیس کند که افراد سپاهیان که غالباً از اهالی روستاها بودند قسمتی از اوقات فراغت خود را صرف تعلیم مقدمات علمی و عملی کشاورزی نمایند .

توسعه روز افزون

نهضت مبارک سواد آموزی تا سال ۱۳۲۰ همه ساله منظمآ ادامه داشت و همه ماهه بر توسعه آن و هجوم داوطلبان افزوده می گشت .

نظری به جدول آمار ذیل که ذکر مقایسه مدارس و آمار کلاسها و تعداد نو آموزان در دو سال متوالی ۱۵ و ۱۶ را نشان می دهد شرح توسعه روز افزون سواد آموزی را روشن می نماید .

آمار مدارس اکابر در سال ۱۶-۱۵ در سراسر کشور

مدارس	باب ۳۲۰۲
-------	----------

شاگردان	نفر ۹۵۰۴۸
---------	-----------

در سال ۱۷ - ۱۳۱۶

مدارس	باب ۳۵۱۴
-------	----------

شاگردان	۱۲۱۵۰۶
---------	--------

۱۶-۱۷

در تهران

سال ۱۶-۱۵

مدارس ۴۲۴ باب

باب ۴۵۷

مدارس

شاگرد ۱۳۵۰۹۹

۱۲۷۴۴ شاگرد

شاگردان

(این آمار از سالنامه رسمی ۱۳۱۵ وزارت معارف اخذ شده است)

کتابهای درسی مخصوص

در همان سال اول کتاب فارسی قرائت بزبانی ساده و عوام فهم از طرف اساتید مجرب و معلمین کارآموده تألیف و در هزاردان نسخه بطبع رسید و در تمام مملکت منتشر گشت و بقیه تمام شده که بسیار ارزان بود بین دانش آموزان توزیع شد ، البته در این کتابها مطالب عمیق از تاریخ و جغرافیای ایران و تعلیمات مدنی و مذهبی و بهداشتی مندرج گردیده بود و در همان سال اول يك مجله خواندنی ماهانه نیز برای دانش آموزان منتشر گشت . مرحوم عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات که در همان سال دستگاه چاپ رتاتیو تأسیس نموده بود و از آن روزنامه هزارها نسخه بطبع می رسید بشوق فطری و معارف پروری ذاتی از روزنامه خود نسخ متعدد فراوان در مدارس اکابر توزیع کرد که شاگردان با آن سرگرم شده کم کم پروژنامه خواندن مأنوس و آشنا شوند « حدیث معروف و کلمه مبارکه » « طلبو العلم من المهد الی اللحد » که از سخنان عالیه پیغمبر اسلام است برای شمارمکاتب شبانه مقرر گردید ، مرحوم میرزا ابوالقاسم فخرالاشرف مفتش وزارت معارف که مردی ادیب و صاحب سخن بود آنرا در یک مسرع بفارسی چنین ترجمه کرد : « زگهواره تا گوردانش بجوی » که هنوز این کلمه زبانزد خاص و عام است .

توقف و تجدید حیات

چنانکه در فوق گفتیم این مدارس ۵ سال متوالی روز افزون توسعه مییافت و هر سال بر رونق آن افزوده میگشت تا آنکه در شهریور ۱۳۲۰ پیش آمدهای ناگوار برای مملکت روی داد که به سبب آن مشکلات در آن سال آن مدارس تعطیل گردید . ولی در سال ۱۳۲۵ مجدداً همان منظور مقدس مورد توجه و عنایت اعلیحضرت شاهنشاه جوان و جوانبخت ایران قرار گرفت و در مهر ماه آن سال مدارس بزرگسالان دوباره بصورتی وسیع تر تجدید حیات کرد و برای طبقات و اصناف و کلیه کارگران و کشاورزان و ژاندارمها و مستخدمین سرپای اداریات و مؤسسات دولتی و حتی زندانیان باردیگر در دانش و علم گشوده گردید .

آماري که در سال تحصيلی ۳۷-۱۳۳۶ در دست است (نظر کنید به کتاب ایران شهر جلد دوم ص ۱۱۸۸ ارقام ذیل را نشان میدهد)

نو آموز مرد	۲۴۴۸۲۰	نو آموز زن	۵۷۱۲۳
سریاز	۹۰۰۰	ژاندارم	۱۰۵۰۰
پاسبانها و زندانیان	۱۷۰۹۳		

جمع کل نو آموزان در تمام مملکت ۴۱۹۵۴۶ نفر

باید گفت که در وقت حاضر امر مبارزه با بی سوادی در تمام جهان جنبه جهانی نهضت بین المللی حاصل کرده است و تمام دول دنیا در تحت هدایت و رهبری سازمان یونسکو باین کار دانش گستر و نوع پرور اقدامات جدی مینمایند و در هفدهم شهریور ماه سال ۱۳۴۴ به ابتکار و دعوت اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر کنفرانس وزراء معارف ممالک جهان و کشور - های عضو یونسکو در تهران تشکیل گردید . و از آن تاریخ تا کنون این حرکت سریع و جنبش

مبارک صورت جدی و عمومی حاصل کرده است که شرح آن در سالنامه‌های رسمی مندرج است .

بودجه تعلیمات اکابر در ایران در سال ۱۳۳۹ شصت و نه میلیون ریال بحساب آمده است (نظر کنید پایانشهر من ۱۱۸۹)

اینک در آخر هر سال تحصیلی از نوآموزان امتحان نهایی بعمل می‌آید به‌شاکردان سال اول کارنامه مخصوص و شاکردان سال دوم یک گواهینامه ویژه بزرگسالان بامضای مدیر مدرسه و رئیس آموزش و پرورش هر شهر یا قصبه صادر میشود . وسندیت قانونی دارد .

دبیرستانهای اکابر
همزمان با تأسیس کلاس‌های ابتدایی سالمندان در آذرماه ۱۳۲۶ وزارت معارف به-

تشکیل یک سلسله دبیرستان شبانه در تهران و مراکز عمده کشور اقدام نمود که البته با عواید خاص حاصل از آن اداره میشد ، تنها در تهران دویاب دبیرستان شش کلاسه شامل دوره اول و دوم و شامل شعب ادبی ، علمی ، بازرگانی بملاوه کلاس‌های مخصوص تعلیم زبان خارجه دائر گردید .

آمار این دبیرستانها که از کارمندان ادارات دولتی ، بازرگانان و غیره تشکیل می- شد در آن سال در تمام کشور ۲۶ باب بود که ۱۶۹۰ دانشجو در آن‌ها بتحصول دوره دبیرستانی مشغول بودند و معلومات سابقه خود را تکمیل می‌کردند .

موسسه وعظ و خطابه

مؤسسه دیگری که همچنین وزارت معارف در سال ۱۳۱۶ در دانشگاه تهران (دانشکده علوم معقول و منقول) دائر نمود که آنرا نیز میبایستی حتماً در عداد آموزش بزرگ- سالان بقلم آورد مؤسسه وعظ و خطابه بود . این مؤسسه بموجب تصویب هیئت دولت و اجازه شاهنشاه تأسیس شد و منظور از آن تربیت وعاظ و خطباء و تکمیل معلومات جوانانی بود که حرفه وعظ و اهل منبر بودند . بدیهی است منبر وعظ که از دیرباز در این مملکت یکی از وسایل باستانی تربیت افکار بود و برای تعلیم علوم دینی و اسلامی و ذکر مناقب و مصائب ائمه اطهار در مساجد و تکایا برقرار گشته بود اساسی قدیمی داشت ولی متأسفانه اغلب از کسانی اهل منبر شده بودند که از علوم عالی ادبی و فلسفی و علوم کلام و تفسیر و علم روایات کمتر برخوردار بودند بسیار وعاظ نا اهل در این صنف شریف داخل شده بودند و این نقیصه خود دمحل توجه علماء بزرگوار و روحانیون بزرگه شده بود (رجوع شود بکتاب لؤلؤ مرجان تألیف مرحوم حاج میرزا حسین نوری) وزارت معارف این موسسه را برای تربیت وعاظ دانشمند تأسیس نمود . و در مدرسه عالی سپهسالار که در آنوقت مقر دانشکده بود کلاسهای شبانه مخصوص آن تشکیل داد و اساتید دانشمند علوم عالی ادب و تفسیر قرآن مجید و علم روایات و فلسفه و کلام و مقدمات علوم ریاضی و طبیعی را تدیس میکردند ، جزوه درس آن اساتید که دانشکده بطبع میرسانید مجموعه‌ای بود از نفیس‌ترین معلومات لازمه برای هر خطیب و واعظ البته علماء و روحانیون محترم تهران با تأسیس این موسسه موافقت و مساعدت نمودند و آن سازمان تا سال ۱۳۲۰ دایر بود و بعد از آن تعطیل شد ، وهم اکنون هستند کسانی که با داشتن گواهینامه آن موسسه در کشور ایران به منبر میروند و خلائق را ارشاد می‌کنند .